

درباره کانون‌های کارآموزی در مشهد که

با هدف جمع آوری متکدیان راه‌اندازی شدند

کسب مهارت برای رهایی از خیابان



زینبی۱ کانون کارآموزی کشور در سال ۱۳۳۷خورشیدی گشایش یافت تا در کنار دیگر سازمان های مهارت‌آموز فعالیت کند. هدف این کانون آموزش کار به شهروندان بدون مهارت و سرگردان در خیابان ها بود تا پس از مدتی با استفاده از پیشه‌ای که در این کانون آموخته‌اند به کاری شرافتمندانه مشغول شوند.

این کانون ابتدا در تهران، مشهد، اصفهان، فارس، سیستان و بلوچستان، خوزستان، کرمانشاه و مهاباد دایر شد. ظاهرا آن زمان در همه شعبه‌های کانون، با همکاری وزارت آموزش وپرورش دبستان‌هایی برای باسواد کردن این گروه در کنار کلاس‌های پیکار با بی سواد ی، گشایش یافت تا دانش‌آموختگان ممتاز این دبستان‌ها از جانب کانون به دبیرستان‌های دولتی فرستاده شوند و هزینه زندگی و آموزش آن‌ها را کانون می‌پرداخت.

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور در سال۱۳۵۹خورشیدی از ادغام مرکز تعلیمات حرفه‌ای، صندوق کارآموزی و کانون‌های کارآموزی با هدف توسعه مهارت در کشور ایجاد و خبر تأسیس ساختمان این کانون در مشهد در ۲۴ خرداد سال ۱۳۵۴خورشیدی منتشر شد. این خبر روزنامه اطلاعات با این تیتَر به چاپ رساند: «تأسیسات جدید کانون کارآموزی مشهد در ۴۶هکتار زمین ایجاد می‌شود».

در ادامه تصویری از چند کودک در حال‌کار در کارگاه نجاری کانون آموزش کار مشهد منعکس شده و آمده است: «قطعه‌زمینی به مساحت چهارصد هکتار در اختیار کانون کارآموزی مشهد قرار گرفت تا در آن تأسیسات جدید کانون احداث شود.»
ظاهراحدود شصت هکتار از این زمین‌هاراولیان،استاندار خراسان، به کانون کارآموزی اختصاص می‌دهد. این زمین ظاهرا در حاشیه بولوار نادری است که اکانون سازمان فنی و حرفه‌ای مشهد در آن قرار دارد. در ادامه می‌خوانیم: «طبق گزارش خبرنگار ما در مشهد، در سال گذشته تعدادی از افراد کانون کارآموزی مشهد که تحصیلات خود را پایان داده بودند، در مؤسسات مختلف به کارگماره شدند و الی‌بازنده نفرشان نیز مدارج عالیه تحصیلی را سبیری می‌کنند.»
تعداد آمار ی که آن زمان از تعداد محصلان و کارآموزان این کانون منتشر می‌شود نیز جالب توجه است: «اکنون دوازده نفر از افراد کانون مشهد در کلاس‌های شبانه مشغول تحصیل هستند و تعداد دانش‌آموزان دبستان کانون۱۰۹نفر،راهنمایی۹۳نفر و آموزش حرفه ۶۲نفر است. همه مراحل آموزشی رشته‌های مختلف این قانون دارای ضوابط معینی است که بر پایه آموزش وپرورش استوار است.»
مسئله دیگری که در این خبر مطرح می‌شود فروش تولیدات کارآموزان به ادارات استان است تا منبع درآمدی برای کارآموزان باشد.»۵درصد احتیاجات ولوازم مختلف ادارات مشهد از محل مصنوعات کانون که توسط افراد کانون ساخته شده است تأمین می‌شود. عموم کارکنان در کانون دارای حساب‌هایی در بانک هستند که ماحصل کارکردشان است واین پس‌انداز در آینده هنگام ورود این افراد به جامعه، به مصرفشان خواهد رسید.»

خبر دیگری که ۲۲مهرماه سال ۱۳۵۷ در روزنامه کیهان به چاپ می‌رسد از جذب افراد بی‌خانمان به کانون کارآموزی خبر می‌دهد. این جریده مطلبی طولانی با تیتَر «ولگرد‌ها و گداها جذب کانون کارآموزی می‌شوند»، درباره حضور متکدیان در شهر وراه چاره برای آن به چاپ می‌رساند. در شروع این گزارش آمده است: «طبق لایحه در دست تهیه وزارت رفاه اجتماعی با گدایان و ولگردان مبارزه می‌شود... این‌ها راهی کانون کارآموزی می‌شوند که ضمن آموزش حرفه‌وفزایی مقرری روزانه و ماهانه‌ای هم به‌عنوان دستمزد بگیرند. تا بعد به‌عنوان کارگران کارآزموده جذب واحدهای کارگری شوند. خبر لایحه در دست تهیه وزارت رفاه اجتماعی در شهرستان‌ها با اقبال عمومی روبه‌رو شد، خصوصا در شهرهایی مثل مشهد و قم.»



سازمان فنی و حرفه‌ای کشور و کارآموزانش

اشراقی که آن زمان عضو انجمن شهر مشهد و مدیرعامل کانون کارآموزی این شهر بود، درباره اجرای این طرح نیز به روزنامه چنین می‌گوید: «از نظر من، برنامه وزارت رفاه اجتماعی بسیار خوب و مؤثر است. این برنامه پس از تجربه در تهران در شهرستان‌ها تعمیم خواهد یافت و باتوجه به اینکه در همه شهرها انجام می‌گیرد، می‌توان حتم داشت که تکدی و ولگردی ریشه‌کن شود. البته ما در مشهد وظایف خود را به‌نحو احسن انجام می‌دهیم و در کانون کارآموزی افراد هفت سال به بالا را می‌پذیریم و چون در بین افراد جمع‌آوری شده عده‌ای معلول و نابینا و معતા نیز هستند، این عده تحت نظر کمیسیونی به سازمان روشن دلا ن، آسایشگاه معلولان و آسایشگاه معتادان معرفی می‌شوند و بقیه در مرکز کانون به تحصیل وفراگفتن حرفه‌های مختلف می‌پردازند و از همین‌روی است که به اعتقاد من هم‌زمان با انجام برنامه مبارزه با تکدی و ولگردی باید مراکز فوق هم تجهیز شوند اما از نظر کانون کارآموزی باید بگوییم ما همه‌گونه امکانات در اختیار داریم و با تقویتی که از طرف سازمان‌های مختلف خواهیم شد، به خوبی خواهیم توانست آمادگی لازم را در این جهت داشته باشیم و مسلما خیلی زود در این کار موفق خواهیم شد.»

درباره آخرین فرعی محله «سرشور» که قدمت ش به دوران تاج‌داری ناصرالدین‌شاه قاجار برمی‌گردد

«آرام»؛ کوچه ای زیر سایه باغ پاچنار

- اسامی کوچه «آرام» در طول زمان

نکته جالب درباره کوچه «آرام» ثابت ماندن نام این کوچه در اسناد و نقشه‌های شهر مشهد از گذشته تا امروز است. در همه این اسناد و نقشه‌ها نام این کوچه «آرام» ذکر شده است. تنها در چند سال اخیر این کوچه نیز شماره‌ای برای مشخص شدن پیدا کرد و در کنار نام «آرام»، عنوان «سرشور ۲۸» هم برای آن ثبت شد. البته در آخرین تابلوی نصب شده در ابتدای این کوچه برای معرفی آن به زائران و مجاوران این نام تغییر پیدا کرده و به کوچه «شهید آرام» تبدیل شده است؛ همچنین بخش انتهایی کوچه آرام را که تابلوی «چهنوو» بر دیوار آن نصب است نیز به عنوان کوچه «شهید علی عسکری ۵» نام‌گذاری کرده‌اند. علاوه بر این، در برهه‌ای از زمان ادامه کوچه «آرام» پس از تقاطع با «چهنوو ۸» به نام کوچه «شهید عبد... موسوی» هم شناخته می‌شده است.

- کوچه «آرام» تا پایان دوران قاجار

برابر نقشه‌ها و اسناد باقی‌مانده از مشهد دوران قاجاری، کوچه «آرام» در آن دوران آخرین فرعی کوچه «سرشور» (از سمت شرق) محسوب می‌شده است. در نقشه باقی‌مانده از مشهد سال ۱۲۴۸خورشیدی، این کوچه مسیری غربی شرقی است که پس از طی مسافتی تا پای برج باروی شهر ادامه پیدا می‌کرده است. حاشیه شمالی و سپس شرقی این مسیر مسکونی بوده و در همسایگی فضایی سرسبز موسوم به «محوطه سبز پاچنار چاه‌نو» قرار داشته است.

- کوچه «آرام» در دوران حکومت پهلوی‌ها

کوچه «آرام» در دهه‌های نخست سده ۱۴ خورشیدی نسبت به سده قبل تغییرات درخورتوجهی پیدا کرد. نخستین تغییر مهم این دوره، ایجاد نخستین فرعی در آن است که در مرز بین دو فضای مسکونی و سبز باقی‌مانده از دوران ناصرالدین‌شاهی شکل گرفت. در همین سال‌ها کوچه «آرام» از طریق همین فرعی به کوچه «مهرافروز»، سپس کوچه «چهنوو» و از آن طریق به کوچه‌های «روغنگرها»، «منبرگلی» و «مشیر» مرتبط شد و اندکی بعد هم از طریق دومین فرعی خود به کوچه «رانندگان» (امام‌رضای ۹) متصل شد. بدین‌گونه این مسیر آرام کم‌کم به راه ارتباطی چندین کوچه مهم محدوده تبدیل شد و نقش حلقه وصل آنان را بر عهده گرفت. این حلقه وصل بودن با امتداد پیدا کردن مسیر اصلی کوچه به طرف شرقی بر اثر تقسیم پلاک‌های بزرگ قدیمی کوچه و مرتبط شدن بخش انته‌ای این کوچه به کوچه «چهنوو»، از طریق فرعی شماره ۶ آن، یا کوچه «نایب اسماعیل»، یا «مهرکیش» سال‌های بعد، کامل‌تر شد. همین افزایش مسیرهای دسترسی به این کوچه باعث شد کم‌کم کوچه آرامی که به‌گفته خانم «ندافی»، قدیمی‌ترین ساکن کنونی کوچه، در سال‌های کودکی وی هر روز شاهد عبور یکی دو گاری آسبی بود، در سال‌های میانی سده ۱۴ شمسی یکی از کوچه‌های پررفت‌وآمد فرعی «سرشور» شناخته شود.

- کوچه «آرام» پس از انقلاب

مسیر تکاملی کوچه «آرام» در سال‌های بعد از انقلاب به دو نحو ادامه پیدا کرد. از یک سو با ادامه تبدیل پلاک‌های بزرگ کوچه به پلاک‌های کوچک‌تر تعدادی کوچه فرعی جدید در این مسیر ایجاد شد. اغلب این کوچه‌های جدید برخلاف رسم معمول این نوع کوچه‌سازی‌ها بن‌بست نیستند و به سایر کوچه‌های محدوده مرتبط‌اند. این مسئله باعث شده است کوچه «آرام» یکی از معدود کوچه‌های بافت قدیمی شهر باشد که تعداد فرعی‌های بن‌بست آن کمتر از فرعی‌های دارای مسیر ارتباطی کامل باشد. اکنون از ۹ فرعی این مسیر

رضا سلیمان‌نوری۱ گذشت زمان و تغییر شرایط زندگی کاربری‌های مختلفی را برای مسیرهای درون شهری مشهد ایجاد کرده است. در طول حدود دو بیست سال گذشته، صرف‌نظر از مسیرهایی که بوده‌اند و اکنون نیستند، مسیرهای بسیاری هم هستند که تکامل پیدا کرده و در جریان این تکامل از مسیرهای فرعی، به گذرهای اصلی تبدیل شده‌اند؛ کوچه «سرشور ۲۸» از جمله این راه‌هاست که با گذشت روزگار به یک مسیر اصلی تبدیل شده است. این کوچه در روزگار ناصرالدین‌شاهی به دلیل قرار گرفتن در قسمت انته‌ای جنوبی محله «سرشور»، که دارای باغ‌های بزرگ بوده و در نتیجه کم‌رفت‌وآمد محسوب می‌شده، «آرام» نام گرفته است.



به تازگی شهرداری در ثبت نام کوچه‌ها نام «آرام» را به «شهید آرام» تغییر داده است



خانه قدیمی کوچه «شهید عسکری»، یا «آرام ۶»



بنای قدیمی حسینیه شهید کامیاب کلانی های کتاباد



خانه قدیمی رهای ابتدای «آرام ۴»

۲ حاکم خراسان مشغول پوست‌کندن بادمجان

مرضیه ترابی۱ در مرور تصاویر تاریخی، خیلی کم پیش می‌آید که بتوانیم دووالی یا حاکم یک منطقه را در قاب تصویری واحد ببینیم. به‌همین دلیل باید عکس شماره ۴۲ از آلبوم شماره ۱۰۸ مجموعه کاخ موزه گلستان را یک استثنای فوق‌العاده بدانیم. این تصویر که مربوط به ۱۱ ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۱قمری (۳۰ مهرماه ۱۲۷۲ خورشیدی) است، گروهی از درباریان ناصرالدین‌شاه را نشان می‌دهد که بر اساس رسمی قدیمی در «سرخ‌حصار» گردآمده‌اند تا آتش مخصوص بپزند. اینکه این آتش چه بوده و چرا باید طبخ می‌شده است، موضوع این نوشتار نیست، اما شاه‌قاجار سخت‌دل بسته‌پخت این آتش سنتی بود که در آن علاوه بر سبزیجات مختلف، بادمجان هم می‌ریختند. در روز آشپزی، ناصرالدین‌شاه شخصا در محل حاضر می‌شد و دستور می‌داد که درباریان هم بنشینند و کمک کنند. بیشتر مواقع هم شاهزاده‌های قجری و اشراف صاحب‌منصب را وادار می‌کرد بادمجان پوست بکنند و چون آن‌ها در همه عمر دست به سیاه و سفید نزده بودند، منظره خنده‌داری درست می‌شد که برای ناصرالدین‌شاه خالی از تفریح نبود. «عین‌السلطنه» در روزنامه خاطراتش درباره یکی از این مراسم، شرح و توصیف مفصلی ارائه کرده است که علاقه‌مندان را به مطالعه آن دعوت می‌کنیم. در عکسی که ملاحظه می‌کنید، دو تن از اشراف عهدناصری و البته حاکمان خراسان دیده می‌شوند که هر دو مشغول پوست‌کندن بادمجان هستند. یکی از آن‌ها محمدتقی میرزا رکن‌الدوله (پسر چهارم محمد شاه قاجار و برادر ناصرالدین‌شاه) است که پنج بار به حکومت خراسان رسید.

او ابتدا در سال ۱۲۹۳قمری حاکم خراسان شد و در سال ۱۲۹۷قمری، نیابت تولیت آستان قدس رضوی را هم به دست آورد. رکن‌الدوله در سال ۱۲۹۹قمری و بعد از درگذشت میرزا حسین‌خان سپهسالار دوباره به حکمرانی و نیابت تولیت رسید و در همین دوره دستور داد که نخستین نظام‌نامه خدمت در حرم‌رضوی تدوین شود. او در سال ۱۳۰۰قمری از حکومت خراسان برکنار شد، اما با مرگ زود هنگام

۱- رکن‌الدوله ۲- صاحب‌دیوان ۳- امین‌الدوله



حاکم جدید، مجدداً این مقام را به دست آورد و برای سومین بار به حکومت خراسان منصوب شد. وی در سال‌های ۱۳۰۴ و ۱۳۱۴قمری نیز حاکم خراسان و نایب‌التولیه آستان قدس رضوی شد و تا پایان عمر در این مقام ماند. رکن‌الدوله در شوال سال ۱۳۱۸قمری (بهمن سال ۱۲۷۹ خورشیدی) درگذشت و در رواق دارالحفاظ حرم‌رضوی دفن شد. در این عکس رکن‌الدوله را از نیم‌رخ مشاهده می‌کنید، اما نفر دوم فتحعلی‌خان صاحب‌دیوان است که او نیز در این تصویر به پوست‌کندن بادمجان اشتغال دارد. صاحب‌دیوان اصالتاً شیرازی و داماد فتحعلی‌شاه قاجار بود. او مدت‌ها سمت وزارت شاهزاده‌های قاجاری را عهده‌دار و در سال ۱۳۰۸قمری به حکومت خراسان و نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد. صاحب‌دیوان دو سال این

مسئولیت را برعهده داشت، اما کار خاصی در راستای توسعه عمرانی مشهد و حرم‌رضوی انجام نداد و نهایتاً در سال ۱۳۱۰قمری از حکومت خراسان برکنار شد. صاحب‌دیوان در سال ۱۳۱۴قمری (سه سال بعد از برداشتن این تصویر) درگذشت و پیکر وی بعد از حمل به مشهد در گوشه شمالی رواق حاتم‌خانی دفن شد. افزون بر این دو نفر، یکی دیگر از سیاست‌مداران دوره قاجار نیز در این تصویر تاریخی و ۱۳۱ ساله دیده می‌شود و او کسی نیست جز علی‌خان امین‌الدوله که بعدها مدتی صدراعظم مظفرالدین‌شاه هم شد. خوب است بدانید که علی‌خان امین‌الدوله، پدر بزرگ علی‌امینی (نخست‌وزیر محمد رضا پهلوی و مجری مشهور اصلاحات‌رضی در سال ۱۳۴۱ خورشیدی) بوده است.

شهریار



تاریخ و هویت